

الگوی جستاری تشکیل دولت اسلامی با تأکید بر امت دولت‌ساز

دکتر حسن خدادی*، دکتر حمیدرضا منیری حمزه کلایی*

چکیده

این پژوهش علل تحقق نیافتن کامل اهداف انقلاب اسلامی در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای را بررسی می‌کند. پرسش اصلی این است که آیت‌الله خامنه‌ای موانع تحقق کامل اهداف انقلاب اسلامی را چگونه علت‌یابی می‌کند و برای برون‌رفت از آن چه راه‌حلی پیشنهاد می‌دهد؟ مقاله براساس الگوی جستاری توماس اسپریگنز و روش مفهوم‌شناسی و تفسیر کلام‌به‌کلام بیانات رهبری صورت‌بندی شده است. نظریه بحران اسپریگنز چهار مرحله دارد: مشاهده و شناسایی مشکل، ریشه‌یابی مشکل، ترسیم نظم آرمانی و سرانجام طرح راه‌حل و درمان. در زوایای پنهان اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، تحقق نیافتن کامل اهداف انقلاب اسلامی (مشاهده مشکل)، شکل نگرفتن دولت مطلوب اسلامی (علل مشکل)، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی (ترسیم نظم آرمانی) و شکل‌گیری امت دولت‌ساز (راه‌حل) فرضیه پژوهش است که تمرکز اصلی در این فرضیه در شکل‌گیری امت دولت‌ساز در جایگاه راه‌حل و درمان است. روش پژوهش توصیفی - تبیینی و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

* استادیار دانشگاه مازندران، h.khodadi@umz.ac.ir.

* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران، hamidrezamoniri@yahoo.com.

واژه‌های کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، امت دولت‌ساز، دولت مطلوب اسلامی، تمدن نوین اسلامی،

بیان مسئله

هر انقلابی مایل است در روند روبه‌رشد خود، طی مراحل مختلفی به اهدافش دست یابد. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنا نیست. اندیشمندان و نظریه‌پردازان در تبیین فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی، دیدگاه‌های گوناگونی دارند، گرچه نهان و ماهیت فرآیندهای مطرح یکسان است، دسته‌بندی‌ها و عنوان‌گذاری مراحل، مختلف و متعدد است. از میان فرآیندهای مطرح، سه فرآیند شهرت و اعتبار بیشتری دارد. در طرحی فرآیند تکاملی انقلاب اسلامی سه مرحله دارد، در طرحی دیگر، این فرآیند، چهار مرحله‌ای و در طرح سوم این فرآیند شامل پنج مرحله است.

الف) فرآیند سه مرحله‌ای

در دیدگاهی فرآیند انقلاب اسلامی در سه مرحله پیش‌بینی شده است. طرفداران این طرح معتقدند که انقلاب اسلامی جامعه ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام را، به سه مرحله می‌توان تقسیم کرد:

۱. مرحله ایجاد انقلاب اسلامی؛ ۲. مرحله استقرار انقلاب اسلامی؛ ۳. مرحله توسعه انقلاب اسلامی (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲: ۹۷-۱۱۸)؛

ب) فرآیند چهار مرحله‌ای

در دیدگاهی دیگر، فرآیند انقلاب اسلامی، در چهار مرحله پیش‌بینی و طراحی شده است. مراحل و مقاطع این فرآیند عبارت‌اند از: ۱) ایجاد انقلاب سیاسی؛ ۲) ایجاد انقلاب فرهنگی؛ ۳) ایجاد انقلاب اقتصادی؛ ۴) ایجاد تمدن اسلامی (ر.ک. جمالی، ۱۳۸۶: ص ۵)؛

ج) فرآیند پنج مرحله‌ای

فرآیند انقلاب اسلامی و مراحل تحقق آرمان‌های آن تا دستیابی به الگوی جامع انقلاب و در نهایت تشکیل تمدن اسلامی، از سوی مقام معظم رهبری در فرآیندی پنج مرحله‌ای تبیین شده است.

ایشان روند تکاملی انقلاب اسلامی را به پنج مرحله تقسیم فرمود (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۹/۱۲). این سیر منطقی همان فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی است و تا یکی از مراحل اتفاق نیفتد و محقق نشود، مرحله بالاتر امکان تحقق ندارد. نخستین مرحله از فرآیند تحقق اهداف اسلامی، مرحله انقلاب اسلامی است؛ این مرحله در سال ۵۷ محقق شد. مرحله بعد نظام اسلامی است. این مرحله در سال ۵۸ با تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی محقق گردید. مرحله بعد ساخت دولت مطلوب اسلامی است که هم‌اکنون در این مرحله‌ایم و ایشان تصریح می‌کند که هنوز محقق نشده است و در مرحله دولت اسلامی متوقف شده‌ایم. به شرط عبور موفقیت‌آمیز از این مرحله، انقلاب وارد مرحله جامعه نمونه اسلامی می‌شود و در نهایت به بنای شامخ تمدن نوین اسلامی نیز دست خواهیم یافت:

ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم. باید دولت اسلامی ایجاد کنیم. (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۸/۶).

این پژوهش به این پرسش اصلی که مشکلات موجود در نظام جمهوری اسلامی ایران در چه خلأ راهبردی ریشه دارد، پاسخ می‌دهد و مدعی است که ریشه بسیاری از مشکلات اجتماعی کشور را در عدم کفایت ملاک‌های اسلامیت در ساخت دولت مطلوب اسلامی باید جست. مراد از دولت در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای: «کلیه دستگاه‌های حاکمیتی تحت اشراف نظام اسلامی می‌باشد. لذا نباید آن را با قوه مجریه صرف اشتباه گرفت.» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

بنابراین به عقیده ایشان، بیشتر مشکلات امروز کشور از تردیدهای گذشته و حال ما در تحقق مفهوم دولت اسلامی ناشی می‌شود. (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۶/۸). اگرچه دولت اسلامی از بایسته‌های انقلاب اسلامی است، در مسیر تحققش افت و خیزهای فراوانی وجود داشته است: «فرآیند تحقق اهداف اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به‌طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود، اما تحقق آنها، بسیار طولانی است.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۹/۲۱)

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، نکته مهم این است که تحقق دولت مطلوب اسلامی، نیازمند نرم‌افزاری است که بدون استفاده از آن، هیچ‌گونه موفقیتی متصور نیست. اینجاست که مطلب مهم دیگری با نام تحقق امت دولت‌ساز مطرح می‌شود که بسیار مهم است. تحقق امت دولت‌ساز، از منظر ایشان، نرم‌افزار اصلی برای تحقق دولت مطلوب اسلامی است. (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۳/۸) گفتنی است آیت‌الله خامنه‌ای از امت دولت‌ساز به خواص اهل حق تعبیر می‌کنند:

عزیزان من! خواص طرفدار حق، دو دسته‌اند: یک دسته کسانی هستند که در مقابله با دنیا، با زندگی، با مقام، با شهوت، با پول، با لذت، با راحتی، با نام، موافق‌اند، یک دسته موافق نیستند، همه اینها چیزهای خوبی است، همه اینها زیبایی‌های زندگی است. در هر جامعه این دو قسم آدم، دو قسم خواص طرفدار حق، وجود دارد، اگر آن قسم خوب خواص طرفدار حق، یعنی اگر خواصی که بتوانند از متاع دنیا دست بردارند، تعدادشان زیاد شود، جامعه اسلامی هیچ‌وقت دچار حالت دوران امام حسین علیه السلام نخواهد شد، مطمئن باشید تا ابد بیمه بیمه است، اما اگر اینها کم باشند و آن دسته خواص دیگر زیاد باشند؛ یعنی آنهایی که به دنیا دل سپرده‌اند، حق را هم می‌شناسند، طرفدار حق‌اند، در عین حال، در مقابل دنیایشان می‌لرزند. (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۳/۲).

نویسندگان این مقاله افزون بر توسعه دایره واژگانی علوم انسانی - اسلامی، بنا به دو دلیل جلوگیری از سردرگمی مخاطبان از تفکیک دو دسته خواص اهل حق مطرح‌شده در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای که دسته نخست بار ارزشی مثبت، و دسته دوم بار ارزشی منفی دارد و تشابه لفظی مفهوم خواص اهل حق مورد نظر ایشان با مفهوم خواص اهل حق جریانات درویش مسلک و صوفی مسلک تصمیم گرفتند که به جای واژه خواص اهل حق، مفهومی بدیع و تازه با عنوان امت دولت‌ساز جعل کنند. بنابراین در این پژوهش برآنیم که چیستی و چگونگی شکل‌گیری و لایه‌های ساختی امت دولت‌ساز را بررسی کنیم.

پیشینه تحقیق

برخی نویسندگان و محققان (طوسی، طاهری: ۱۳۹۸؛ مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲الف؛ محمدی، نادری، ۱۳۹۷)، در مراکز مختلف مربوط به مطالعه اندیشه مقام معظم رهبری به این مسائل پرداخته‌اند، اما مطالعه آنها بیشتر محدود به دسته‌بندی بیانات ایشان بوده است و هیچ کدام در قامت الگو و مدل نظری - تحلیلی ظهور نیافته است. در این مقاله منظور از مدل نظری (تحلیلی)، مجموعه مقوله‌های پرورده است که به صورت منظم با جمله‌های بیان‌کننده ارتباط به یکدیگر متصل شده‌اند تا چهارچوب مدلی را شکل دهند که پدیده فرآیندی ساخت دولت مطلوب اسلامی را توضیح دهد. جملات بیان‌کننده ارتباط به ما توضیح می‌دهند دولت اسلامی به دست چه کسانی و چگونه و با چه پیامدهایی رخ خواهد داد.

روش پژوهش

روش‌شناسی استفاده‌شده در این مقاله، روش‌شناسی کیفی است. برای این مهم از روش مفهوم‌شناسی و روش تفسیر کلام به کلام در جایگاه روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استناد به بیانات و منظومه فکری اندیشمندی، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. توضیح آنکه در این پژوهش، مفهوم‌شناسی عبارت است از شناخت مفاهیم استفاده‌شده در بیانات رهبری و پیدا کردن زمینه ذهنی درباره مسئله مطرح‌شده در بیانات. روش تفسیر کلام به کلام نیز به این معناست که برای شناخت مفاهیم، بهتر است پیش از مراجعه به دیگر منابع، از تفسیر کلام به کلام بیانات (استفاده از سایر بیانات رهبری برای تبیین دیگر بیانات) استفاده شود؛ زیرا معمولاً رهبر انقلاب پیش از طرح موضوعات و مفاهیم مرتبط با نیازهای جامعه، طی دوره‌هایی تا حدودی به چستی این مفاهیم می‌پردازند و ابعاد و حدود و ثغور تعریف آن را مشخص می‌نمایند. در رویکرد دانش‌پژوهانه به این بیانات، می‌توان افزون بر اصل کلیدواژه، واژه‌های مرتبط (دارای رابطه ترادف، شمول یا تضاد) را نیز بررسی کرد تا نگرش جامع‌تری درباره کلیدواژگان به دست آید. همچنین پس از تبیین مفاهیم مورد مطالبه رهبر انقلاب در دیگر سخنان ایشان، در صورت لزوم به بررسی این مفهوم یا مفاهیم متناظر در متون و منابع دینی، گفتمان انقلاب اسلامی، قول بزرگان یا تحلیل و تبیین‌های پژوهشگران از بیانات رهبری پرداخته شود.

اهداف پژوهش

دولت اسلامی از مباحث مهم سیاسی - اجتماعی در بیانات آیت الله خامنه‌ای عجله است. با وجود بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی که در این زمینه میان نظریه‌پردازان و نخبگان سیاسی و دانشگاهی و حوزوی، صورت گرفته است، هنوز این مفهوم و مصادیقش در قالب الگویی علمی و مدلی نظری (تحلیلی)، براساس منظومه فکری ایشان به دست نیامده است؛ حال آنکه بیش از چهار دهه از ظهور دولت اسلامی می‌گذرد. این مقاله به منظور پرکردن این خلأ و نقیصه علمی و با الگو قراردادن سخنان مقام معظم رهبری اندیشه‌های آن شخصیت در زمینه دولت اسلامی را بررسی کرده است. به واسطه وجود الگوی بومی و مستقل در امر دولت‌سازی یا اقتباس روشی، و نه تقلیدی و محتوایی برخی نظریات متفکران تمدن‌های دیگر می‌توان از قرارگرفتن در هژمونی‌های بیگانه با مبانی دینی و انقلابی‌رهای یافت و زمینه توسعه نظام سیاسی در داخل کشور در گام نخست و سپس تکثیر نظام مطلوب سیاسی در محیط پیرامونی و جهانی و تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد؛ به بیان دیگر این مقاله مشخص خواهد کرد که دولت اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری توسط چه کسانی به وقوع می‌پیوندد و راهبردهای کنشی و لایه‌های ساختی آنها چیست؟

چهارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که بر چهارچوبی نظری مبتنی‌اند، از چهارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی، مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم اصلی مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب نظامی منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد.

توماس اسپریگنز در کتاب فهم نظریه‌های سیاسی (۱۳۷۹) جستاری را طرح کرد که ابزار تفکر منطقی درباره مسائل سیاسی و متفکران سیاسی را فراهم کرده است. وی مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران به شدت واقع‌گرایند و اندیشه‌های سیاسی آنان در پاسخ به مشکلات محیط سیاسی آنان است و تلاش‌های آنها بر این است که تصویری جامع و درک نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند؛ از این رو مسائل و مشکلات، نقطه آغازین مسائل سیاسی است. (زیتی چشمه سرده، ۱۳۹۴: ۹۹)

کوشش‌های اسپریگنز در راستای فهم نظریه‌های سیاسی، که باید خط تمایزی میان آن و روش اندیشیدن سیاسی ترسیم کرد، چهارچوبی نظری، فلسفی، منطقی و کاربردی را مطرح می‌کند که به مدد آن می‌توان منطق درونی هر نوع نظریه‌پردازی را کشف نمود. از دیدگاه وی هدف نظریات سیاسی، فراهم‌ساختن بینشی همه‌جانبه از جامعه سیاسی با نگاهی انتقادی به منظور درک و فهم‌پذیر شدن آن و فهم نارسایی‌ها و کاستی‌های آن و بازگرداندن سلامت به جامعه از طریق مواجهه با ریشه‌های بی‌نظمی و غلبه بر آنهاست؛ به عبارت دیگر می‌توان هدف و غایت دیدگاه‌های سیاسی از دید اسپریگنز را نوعی روان‌درمانی جامعه سیاسی دانست. (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۲۲-۶۴)

نظریه مسئله اجتماعی اسپریگنز به‌مثابه یکی از مهم‌ترین روش‌های فهم اندیشه سیاسی، چهار مرحله دارد: مشاهده و شناسایی مشکل، تحلیل و جست‌وجو درباره ریشه مشکل، ترسیم نظم آرمانی جامعه سیاسی و سرانجام دستیابی به راه حل و درمان. (زیتی چشمه سرده، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

مشکل‌شناسی: مشاهده و شناسایی مشکل

در مرحله نخست، نظریه‌پردازان از مشکلات سیاسی، که جامعه با آنها درگیر است، آغاز می‌کند. بیشتر نظریه‌پردازان آثار خود را زمانی نگاشته‌اند که به‌طور فزاینده احساس می‌کردند جامعه‌شان به مشکلی عمیق دچار است، نظریه‌های سیاسی، نه در وضعیت عادی، بلکه هنگام نابسامانی‌ها و مشکلات مطرح می‌شود، بحران گاه روشن و واضح است، و گاه بسیار محدود و ناپیدا و حتی ممکن است گاهی درباره وجودش اتفاق نظر نباشد. بنابراین به‌منظور فهم افکار نظریه‌پرداز سیاسی، نخستین پرسش این است که مشکل و بحران از منظر او چیست؟ چه چیزی او را برانگیخته تا تعمق و تفکر ذهنی را به‌صورت نظریه‌های سیاسی منسجم و اساسی به رشته تحریر درآورد؟ (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۷۹-۸۰)

دلیل‌شناسی: تحلیل و جست‌وجو درباره علل مشکل

مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس را تحریک می‌کند و نظریه‌پرداز را به سوی مرحله دوم، که تشخیص آن است، سوق می‌دهد، نظریه‌پرداز در این مرحله شک و تردید را درون خود

گسترش و تعمیم می دهد و علت اصلی مشکلات و نابسامانی ها را، که اغلب نهان اند، می جویند. نظریه پرداز در این مرحله بیشتر مطالعه می کند و به دنبال سرنخها می گردد. در این مرحله چنین پرسشی مطرح می شود که اگر جامعه دچار مشکل است، علت بنیادین این مشکل چیست؟ بنابراین فقط تشخیص علل مشکل ها و بحران ها کافی نیست و باید ریشه های بنیادین آن را کشف کرد. نظریه پرداز بدون روشن شدن علل واقعی مشکل نمی تواند پیشنهادهای مناسبی برای درمان یا تسکین مشکل مطرح نماید. (زیتی چشمه سرده، ۱۳۹۴: ۱۰۴)

آرمان شناسی: ترسیم نظم آرمانی جامعه سیاسی

در مرحله ترسیم نظم آرمانی، نظریه پرداز جامعه سیاسی را ذهنی بازسازی می کند؛ یعنی آرمان شهری را در ذهن تجسم می نماید و افکارش را به صیقل علم، قابلیت ها، امکانات و واقعیت ها می آراید. در این مرحله دو پرسش مطرح می شود: نخست اینکه اگر اوضاع مرتب است، دلیل آن چیست؟ دوم اینکه اوضاع مرتب چه خصوصیتی دارد؟ در واقع این پرسش مطرح می شود که اگر این وضعیت نامطلوب، و بی نظمی است، پس وضعیت مطلوب و نظم آرمانی کدام است؟ نظریه پرداز در این مرحله از هست ها عبور، و به باید ها توجه می کند. معیارهایی که نظریه پرداز برای جامعه بازسازی شده آرمانی خود در نظر می گیرد، هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز می باشد. نظم های هنجاری بازسازی شده ترکیبی از نوع آوری و اکتشافات است. هدف این مرحله ایجاد رابطه ای میان شخص و محیط سیاسی است. بدین ترتیب نظریه پرداز باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خود تجسم کند و به معیاری های آن دست یابد. به این ترتیب، در واقع نظریات سیاسی تصویرهایی نمادین از جامعه، بعد از بازسازی شدن ارائه می دهد. (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۲۲)

درمان شناسی: بیان راه حل و درمان

در مرحله آخر، اسپریگنز راه درمان را با طرح سؤال آنچه هست، آنچه باید باشد پی می گیرد. او معتقد است به دلیل توجه انسان ها به حقایق، حتی ساده ترین عبارات در این باره رگه هایی از تجویز را در خود نهفته دارد؛ از این رو نظریات سیاسی، با بینش جامع خود از

نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی را دربردارند و شامل ارزیابی قابلیت‌ها، امکانات و ضرورت‌ها و حقایق‌اند. (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۱۸۹)

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در قسمت چهارچوب مفهومی بیان شد، در این پژوهش چهارچوب پیشنهادی توماس اسپریگنز (اسپریگنز، ۱۳۷۹) یعنی روش‌شناسی بحران را روش تجزیه و تحلیل اطلاعات تحقیق برگزیدیم و این چهارچوب را انتخاب کردیم زیرا برای استخراج منطق درونی اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، فرآیند استدلالی مناسبی است. طبق این چهارچوب تئوریک، باید چهار مرحله را مطالعه کرد: مرحله مشاهده مشکل یا گزارش اندیشمند سیاسی از بحران‌های موجود در جامعه هدف؛ مرحله ریشه‌یابی مشکل یا اجتهاد اندیشمند سیاسی در پی بردن به ریشه اصلی و خاستگاه کلیدی مشکلات؛ مرحله ترسیم نظم آرمانی یا تصویری که آن اندیشمند از وضعیت مطلوب در سر می‌پروراند و در نهایت مرحله ارائه راه‌حل و درمان یا نقشه راه رسیدن به هدف.

در منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای، با این نکته برجسته مواجهیم که فقدان شکل‌گیری دولت مطلوب اسلامی، خاستگاه بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات موجود در نظام اسلامی است که این نبود شکل‌گیری در غیبت امت دولت‌ساز ریشه دارد.

مرحله نخست: مشاهده مشکل از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مشکل‌شناسی)

برای سهولت کار می‌توان اهداف انقلاب اسلامی را به شش دسته اهداف فردی، اهداف فرهنگی و اجتماعی، اهداف قضایی و حقوقی، اهداف اقتصادی، اهداف دفاعی - امنیتی - نظامی و اهداف سیاسی تقسیم کرد:

انقلاب اسلامی با همه انقلاب‌های دیگر متفاوت است، نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همان‌طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است، بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود

دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزبه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است. (بیانات رهبری، ۸۷/۳/۱۴)

باتوجه به تحقق رضایت‌بخش برخی اهداف انقلاب اسلامی در حوزه‌های دفاعی - امنیتی - نظامی، و در مقابل با توجه به بیانات معظم له دربارهٔ تحقق کامل نیافتن اهداف انقلاب اسلامی در پنج حوزهٔ دیگر، می‌توان جدولی چهاربخشی (ترکیب اهداف سیاسی و قضایی) از برخی آسیب‌ها و مشکلات نظام انقلابی را که مؤید تحقق نیافتن کامل اهداف انقلاب اسلامی است، چنین ترسیم کرد.

جدول ۱. آسیب‌ها و مشکلات نظام انقلابی

آسیب‌های درونی و نفسانی	آسیب‌های اقتصادی	آسیب‌های سیاسی - قضایی	آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی
هوا و هوس‌پرستی (۷۱/۱/۱۵)	گرانی و تورم (۸۹/۱/۱)	اختلال در دستگاه محاسباتی (۹۸/۷/۴)	تربیت‌های طولانی‌مدت غیراسلامی (۷۰/۱۱/۱۴)
سستی ایمان انقلابی (۸۰/۸/۱۲)	سوءاستفاده از بیت‌المال (۷۴/۱۱/۲۰)	عدم تحقق عدالت مطلوب	گسترش فقر (۹۶/۳/۲۲)
انفعال و خودباختگی (۷۶/۳/۱۴)	اشتغال و بیکاری (۹۵/۵/۴)	سازش‌پذیری (۹۷/۴/۲۱)	تضعیف نهاد خانواده (۹۰/۱۰/۱۴)
ارتجاع (۹۶/۱۱/۲۹)	کوچک‌سازی نشدن دولت (۹۷/۶/۷)	تفکر تقلیدی در سیاستگذاری (۷۰/۲۹/۲)	افزایش میزان طلاق (۷۷/۷/۱۸)
دنیازدگی (۸۰/۸/۱۲)	مشکلات جامعه کارگری (۹۶/۲/۱۱)	نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری (۹۸/۸/۲۴)	مهار نشدن اعتیاد و تهیج‌جات جنسی (۹۱/۷/۲۶)
اشرافی‌گری (۷۰/۲/۲۹)	وابستگی به نفت (۹۸/۵/۳۰)	اختلاف و دودستگی در جامعه (۹۵/۵/۴)	حاشینه‌نشینی شهری (۸۲/۹/۱۷)
فرم‌گرایی و ظاهرینینی (۷۰/۹/۱۱)	عدم مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی (۹۲/۱۱/۲۹)	بی‌اعتنایی به ارزش‌های جامعه، به نام توسعه (۷۵/۳/۱۱)	عدم تهیه پیوست فرهنگی (۹۲/۹/۱۹)

اسراف و ثروت‌اندوزی (۷۹/۹/۲۵)	بی‌توجهی به مبحث تولید ملی (۹۸/۵/۳۰)	عدم شناخت مشکلات مردم (۸۲/۷/۲۱)	بی‌توجهی به زبان و ادبیات فارسی (۹۷/۷/۲۶)
کارکردن برای هوس و منافع شخصی (۷۹/۹/۲۵)	عدم توسعه صادرات غیرنفتی (۸۷/۳/۲۹)	عدم شایسته‌سالاری (۹۰/۷/۲۴)	وارداتی بودن نظام آموزش و پرورش (۹۲/۲/۱۰)
پایمال کردن حقوق مردم (۷۹/۹/۲۵)	عدم اصلاح نظام بانکی و مالیاتی و نظام بیمه‌ای	عدم اتحاد کلمه (۸۰/۸/۱۲)	رواج فرهنگ تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی (۷۴/۲/۲۶)
تبلی (۹۲/۵/۱۸)	حجم بالای نقدینگی و عدم هدایت درست آن (۹۵/۵/۳۰)	نزاع و جناح‌بندی سیاسی (۸۲/۲/۲۲)	
افزون‌طلبی (۸۰/۲/۱۱)	بی‌توجهی به آمایش سرزمینی (۹۶/۶/۴)	عدم نظارت بر عملکرد قضات و مدیران (۹۳/۴/۱)	غیربومی بودن علوم و فناوری (۹۷/۳/۲۰)
سوءاستفاده شخصی (۸۰/۶/۵)	اجرائشدن کامل سیاست‌های اصل ۴۴ (۸۷/۶/۲)	تاخیر طولانی در اجرای احکام قضایی (۹۳/۴/۱)	عدم تکمیل و اجرای نقشه علمی کشور (۷۶/۷/۹)
قانون‌گریزی (۹۷/۴/۶)	بی‌توجهی به کارآفرینی و نوآوری (۸۷/۲/۴)	عدم هماهنگی بین سران قوا (۹۳/۳/۱)	تهاجم فرهنگی و ماهواره‌ای (۷۸/۳/۲۹)
انتقادناپذیری (۸۱/۶/۴)	تساهل و همدستی در مبارزه با مفاسد اقتصادی (۸۰/۲/۱۰)	تأثیرپذیری از جوسازی‌های سیاسی (۸۹/۴/۷)	عدم ارتقای بیمه‌تأمین اجتماعی (۷۶/۱۲/۱۸)
رعایت نکردن مصالح عمومی (۷۵/۶/۸)	بی‌اثر شدن نقش صندوق توسعه ملی (۹۸/۱/۲۶)	بی‌توجهی به کادرسازی قضایی (۹۳/۳/۱)	عدم توجه به محیط زیست (۹۳/۱۲/۱۷)
روحیه غیرانتقالبی (۹۱/۶/۲)	افزایش فاصله دهک‌های درآمدی (۹۲/۱۱/۲۹)	برخورد سهل‌انگارانه با تخلفات (۹۶/۴/۱۲)	بی‌توجهی به تحدید نسل (۹۱/۷/۲۱)
سیاست‌زدگی (۹۰/۳/۱۴)	نابسامانی در فرهنگ کار (۹۸/۲/۲۴)	کوچک نشان دادن توان ملت ایران (۹۱/۵/۳)	عدم سهولت در امر ازدواج (۷۳/۹/۲)

محافظة کاری و ملاحظه کاری (۹۸/۲/۱۱)	عدم توجه به کشاورزی و صنایع تبدیلی (۹۵/۵/۴)	ایجاد حاکمیت دوگانه (۸۳/۸/۱۵)	عدم حمایت از نخبگان (۹۵/۷/۲۸)
حیف و میل بیت المال (۸۴/۵/۲۸)	واردات بی رویه (۹۵/۵/۴)	مردمی نبودن مسئولان (۸۴/۱۲/۸)	بی توجهی به جلوگیری از تولیدات فرهنگی (۷۸/۹/۲۳)
بی اعتنایی به مردم (۹۳/۱/۱۷)	بی توجهی به موضوع قاچاق (۹۵/۵/۴)	عدم طرح درست مبانی انقلاب (۸۸/۲۰/۲۶)	ولنگاری فرهنگی (۹۸/۵/۳۰)
کم کاری (۹۱/۷/۳)	بودجه بندی معیوب و نامتوازن (۹۷/۱۱/۲۲)	بی توجهی به جوان گرایی در مدیریت ها (۹۷/۱۱/۲۲)	بی توجهی به اقدامات سازمان یافته ضد فرهنگی و ضد ارزشی (۹۸/۵/۳۰)
ویژه خواری (۹۰/۶/۶)	عدم ثبات سیاست های اجرایی اقتصاد (۷۷/۱۲/۴)	عدم صراحت در اتخاذ مواضع انقلابی (۹۴/۴/۷)	بی توجهی به مهندسی فرهنگی (۸۱/۵/۴)
وظیفه شناسی (۶۹/۱۸/۲۲)	بی توجهی به بهبود فضای کسب و کار (۹۷/۶/۷)	عدم برخورد جدی با رانت خواری (۹۰/۶/۶)	ضعف در اخلاق عمومی (۱۳۹۰/۵/۱۶)
قدرت طلبی و قدرت نمایی (۶۸/۵/۱۱)	استفاده اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور (۹۷/۱۱/۲۲)	حقوق های نجومی و غیر معقول مسئولان دولتی (۹۵/۴/۲)	عدم طرح درست مبانی اعتقادی در جامعه (۹۴/۴/۲)
اعتماد به دشمن (۹۸/۱/۱)	عدم مصون سازی اقتصاد از آسیب های تحریم (۹۵/۵/۴)	سیاسی کردن مبارزه با فساد (۸۰/۲/۱۰)	
تجمل گرایی (۹۸/۲/۲۴)	دانش بنیان نبودن اقتصاد (۹۸/۵/۳۰)	رفتار قبیله ای در سیاست (۹۱/۵/۳)	
سوء استفاده از ارتباطات (۹۰/۶/۶)	بی توجهی به انتقال فناوری در معاملات خارجی (۹۸/۱/۳)	آسیب مزمن در نظام اداری (۹۴/۶/۶)	

(منبع: یافته های پژوهش)

مرحله دوم: ریشه‌یابی مشکل (دلیل‌شناسی)

گام دوم در چهارچوب روش‌شناسی مشکل، راه‌یابی به فهم صحیح این نکته است که آیت‌الله خامنه‌ای چگونه مشکل زمانه را ریشه‌یابی می‌کند و مشکلات بسیاری را به عاملی واحد برمی‌گرداند. (طوسی، طاهری: ۱۳۹۸: ۷۳) در واقع گام دوم نشان‌دهنده شیوه راه‌یابی اندیشمند سیاسی به آشخور چالش‌های زمانه است و توانایی ایشان در عبور از ظاهر مسایل به ریشه مشکلات را بازتاب می‌دهد:

ما در کدام مرحله‌ایم؟ ما در مرحله سومیم؛ ما هنوز به کشور اسلامی نرسیده‌ایم. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که کشور ما اسلامی است. ما یک نظام اسلامی را طراحی و پایه‌ریزی کردیم...، اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. (بیانات رهبری، ۷۹/۹/۱۲)

مرحله سوم: ترسیم نظم آرمانی (آرمان‌شناسی)

به‌طور کلی، تصویر مطلوب و آرمانی آیت‌الله خامنه‌ای از موقعیت مطلوب جامعه را در دو قاب حداقلی و حداکثری می‌توان جا داد. مراد از قاب حداقلی، تحقق جامعه و کشور اسلامی است که زیبایی و چشمگیری آن موجب توجه دیگر کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان می‌شود و آنها را به الگوپردازی از جامعه اسلامی نمونه، مشتاق می‌کند: «بعد از این مرحله، مرحله تالو و تشعشع نظام اسلامی است؛ یعنی مرحله ایجاد کشور اسلامی. اگر این مرحله به وجود آمد، آن وقت برای مسلمان‌های عالم، الگو و اسوه می‌شویم: لتکونوا شهداء علی الناس.» (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱).

قاب حداکثری از نظم مطلوب و آرمانی نیز همان تمدن نوین اسلامی یا امت و دنیای اسلامی است. در این تصاویر جوامع اسلامی به جایی می‌رسند که می‌توانند با استقرار کامل عدالت، تبعیض‌ها را از بین ببرند و فقر را ریشه‌کن کنند و عزت حقیقی را برای مردم به ارمغان آورند. در چنین حالتی، جایگاه امت اسلامی در روابط بین‌الملل نیز ارتقا می‌یابد (بیانات رهبری، ۷۹/۷/۱۴).

اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم، که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست، آن وقت مرحله بعدی، ایجاد دنیای اسلام است. ببینید فرآیند تحقق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می شود. (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱)

مرحله چهارم: بیان راه حل و درمان (درمان شناسی)

همان طور که در بندهای ۱ و ۲ توضیح داده شد، آیت الله خامنه ای تحقق نیافتن کامل اهداف انقلاب اسلامی را مشکل، و تحقق نیافتن دولت مطلوب اسلامی را ریشه مشکل شناسایی کرده است و در ادامه، راه حل برطرف کردن این موارد را شکل گیری امت دولت ساز می داند. ایشان تصریح دارد:

این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را، که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند، می طلبد؛ این می شود دولت اسلامی. (بیانات رهبری، ۷۹/۹/۱۲)

الف) ترسیم نقشه راه تشکیل دولت مطلوب اسلامی به مثابه راه حل

برای ترسیم مدل مفهومی وضعیت مطلوب دولت اسلامی، از بیانات مقام معظم رهبری استفاده می کنیم که هشت عنصر کلیدی در این مدل به کار رفته است. در این نقشه راه، محوری ترین عنصر، که امت دولت ساز نامگذاری شد، جمعی از نیروهای مؤمن انقلابی، خواص و نخبگان جامعه و دولت اند که طی مراحل، در آنان تحول معنوی و تحول معرفتی ایجاد می شود و سپس به امکان و ضرورت تحقق دولت اسلامی، باور عمیق قلبی (تحول باور مندی) می یابند. این جمع سازمان یافته و خودجوش، مأموریت دارند در چهار بعد کلان دولت اسلامی، یعنی نخست، در دو بعد نرم «منش» و «روش» و سپس در دو بعد سخت، یعنی «نظامات» و «نهادها»، وظیفه شان را انجام دهند. در ادامه اجزای هشتگانه این نقشه راه را تشریح می کنیم.

- تحول معنوی: بیداری و برانگیختگی درونی به سوی مبدأ مطلق برای نیل به بالاترین درک وجدانی وجودی از توحید در بستر حرکت به سمت اهداف انقلاب اسلامی و مؤثر در

افزایش انگیزه و بصیرت انقلابی و سرآسیمگی در مجاهدت و مقابله با دشمن. (بیانات رهبری ۱۳۹۲/۰۶/۰۶)

- تحول معرفتی: باور به ارتباط مبانی اعتقادی اسلامی با حرکت عمومی به سمت اهداف انقلاب اسلامی و نیل به فهم کارساز و کارآمدی اسلام برای حل مشکلات بشریت در قرن معاصر. (بیانات رهبری ۸۴/۲/۱۹)

- باورمندسازی: ایجاد ایمان و اعتقاد قلبی جازم در خواص اهل حق (امت) دولت‌ساز به ضرورت و امکان تحقق دولت مطلوب اسلامی در جایگاه مقدمه تحقق جامعه نمونه اسلامی و تمدن نوین اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور (بیانات رهبری ۱۳۹۲/۰۳/۱۴)

امت دولت‌ساز (خواص اهل حق دولت‌ساز): مجموعه‌ای از خواص آماده و توانا در حوزه دانشگاه و دیگر اقشار انقلابی جامعه و بخش‌هایی از کارگزاران همراه دولت اسلامی که با طراحی نقشه راه تحقق دولت اسلامی و هدایت مردم و به کمک آنان در تحقق دولت اسلامی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. (بیانات رهبری، ۷۷/۱۲/۴).

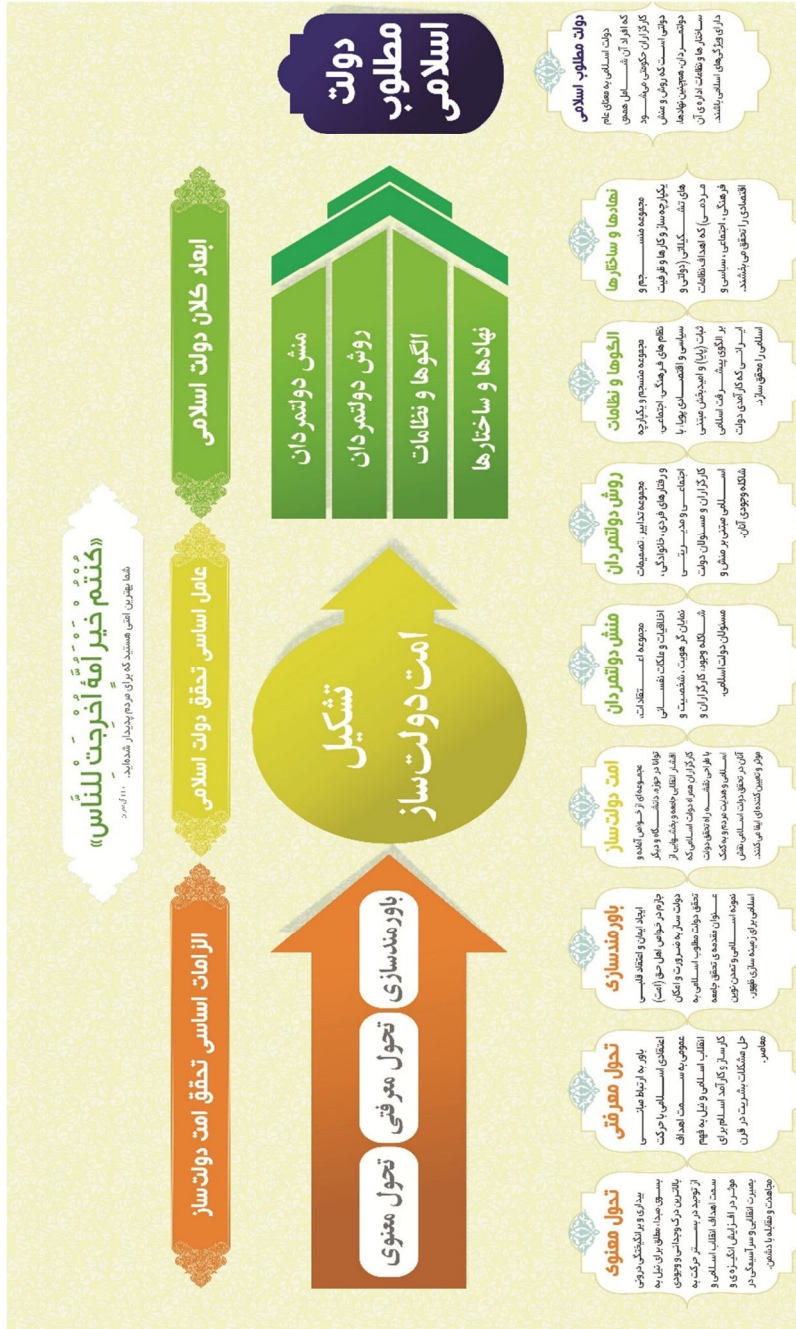
- منش دولتمردان: مجموعه اعتقادات، اخلاقیات و ملکات نفسانی نمایانگر هویت، شخصیت و شاکله وجودی کارگزاران و مسئولان دولت اسلامی. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)

- روش دولتمردان: مجموعه تدابیر، تصمیمات و رفتارهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و مدیریتی کارگزاران و مسئولان دولت اسلامی مبتنی بر منش و شاکله وجودی آنان. (بیانات رهبری ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

- الگوها و نظامات: مجموعه منسجم و یکپارچه نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پایا و پویا، باثبات و امیدبخش مبتنی بر الگوهای پیشرفت اسلامی ایرانی که کارآمدی دولت اسلامی را محقق سازد. (بیانات رهبری ۹۰/۷/۲۲)

- نهادها و ساختارها: مجموعه منسجم و یکپارچه، سازوکارها و ظرفیت‌های تشکیلاتی (دولتی و مردمی) که اهداف نظامات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تحقق می‌بخشد. (بیانات رهبری ۹۰/۷/۲۲)

- دولت مطلوب اسلامی: به معنای عام که افراد آن شامل همه کارگزاران حکومتی می‌شود. (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲) دولتی است که روش و منش دولتمردان، همچنین نهادها، ساختارها و نظامات ادارت آن ویژگی‌های اسلامی دارد.



«کنتم خیرامة اخرجت للناس»
شما بهترین امتی هستید که برای مردم بخیر شده‌اید.
سوره بقره، آیه ۱۱۰

ب) امت دولت‌ساز

۱. تعریف و ویژگی‌های امت دولت‌ساز

با توجه به اهمیت و جایگاه امت دولت‌ساز در نقشه راه دولت‌سازی، نخست، به اجمال، مفهوم امت و سپس مفهوم امت دولت‌ساز بررسی می‌شود. معنای کلمه امت بر حسب اختلاف موارد، مختلف می‌شود، گاه به معنای یک نفر می‌آید؛ مانند آیه ۱۲۰ سوره نحل: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ...» همانا ابراهیم امتی مطیع و فرمانبردار و یکتاپرست بود و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورد.» همچنین در سوره بقره آیه ۱۲۸ به معنای عده‌ای و گروهی آمده است: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا يَا رَبَّنَا» دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز امتی تسلیم و رضای خود بدار، و راه پرستش و طاعت را به ما بنما و بر ما (وظیفه بندگی را) سهل و آسان گیر.» که با در نظر داشتن مقام آن دعا، جز به معنای عده معدودی از آنان که به رسول خدا ﷺ ایمان آوردند؛ نمی‌تواند باشد. در سوره آل عمران آیه ۱۱۰ آمده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ شما - مسلمانان حقیقی - نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید.» با در نظر داشتن مقام آیه، یعنی مقام منت‌نهادن و تنظیم و ترفیع شأن امت، به طور مسلم شامل همه امت اسلامی نمی‌شود؛ زیرا هنوز در همه امت اسلامی فضایل الهی ملکه نشده و بسیاری هنوز دچار رذایل اخلاقی اند.

بنابراین می‌توانیم از معانی «امت» به ویژگی‌های آن پی برد:

۱. گروهی برانگیخته (أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ)؛
۲. برگزیدگان مسلمانان (خَيْرَ أُمَّةٍ)؛
۳. اهل دعوت به خیر (وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ)؛
۴. اهل امر به معروف و نهی از منکر (تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ). (خانی،

(۱۳۹۵: ۵۰)

از این رو «امت» به مجموعه‌ای (عده‌ای یا گروهی نه همه اعضای جامعه) از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع کرده باشد. (جوان آراسته، ۱۳۷۹: ۱۶) مرز میان امت‌ها مرزی عقیدتی است. همه آنان که بر محور توحید، نبوت و معاد

متمرکز گشته‌اند، امت واحد اسلامی را تشکیل می‌دهند. بنابراین با این توضیحات می‌توان نتیجه گرفت که امت دولت‌ساز، که واسطه بین ولی و امت واحد اسلامی است، گروه نخبگان و خواص معتقد به اسلام ناب محمدی ﷺ است که با توجه به اصول، پایه‌ها، ارزش‌ها و شعارهای اصلی انقلاب اسلامی، ایمانی راسخ دارند، مؤمن‌اند و ارتباطشان با ولی مستحکم و نیرومند است، منش و روش اسلامی دارند که در قالب تشکیلاتی منسجم، منظم، با تقسیم وظایف و فعالیت زنجیره‌ای، نقشه راه تحقق دولت اسلامی را طراحی، و با فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی برای تحقق دولت اسلامی، مجاهدت، و نقش اصلی را ایفا می‌کنند:

پیغمبر وقتی می‌آید برای اینکه بتواند جامعه مورد نظر را تشکیل بدهد، برای این کار احتیاج دارد به یک جمع به هم پیوسته متحد، دارای ایمان راسخ، از اعماق قلب، مؤمن و معتقد به این مکتب، با گام استوار، پویا و جویای هدف. یک چنین جمعی را پیغمبر اول کار لازم دارد. لذا پیغمبر بنا می‌کند این جمع را فراهم آوردن و درست کردن... این جبهه از چه کسانی تشکیل شده؟ از مسلمانان استوار مؤمن معتقد نافذ القلب... اینها مسلمان‌های گام اول‌اند. (بیانات رهبری، ۷۵/۳/۲۰). این اشارات آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان نوعی مستندسازی برای پشتیبانی از جعل مفهوم امت دولت‌ساز توسط نویسندگان مقاله به کار گرفت.

۲. ضرورت تشکیل امت دولت‌ساز

اهمیت بررسی و چگونگی ظهور امت دولت‌ساز در بیانات مقام معظم رهبری تا آنجاست که ایشان یکی از شقوق ولایت را به هم پیوستگی و هم‌جبهگی و اتصال شدید عده‌ای انسان دارای فکر واحد و جویای هدفی واحد می‌دانند که این همان تعریف تشکیلات است: «این به هم بستگی اسم دارد؟ بله. این پیوستگی مسلمانان جبهه آغاز دین، که به هم گره خوردند و جدایی ناپذیر شدند، نامش در قرآن و حدیث، ولایت است.» (بیانات رهبری، ۵۳/۴/۲۱). بنابراین در ادبیات معظم له، روشن است که معنای ولایت نشان‌دهنده چگونگی ایجاد نیروهای مؤمن و به هم پیوستگی آنها و ارتباط آنها با ولایت برای تحقق جامعه اسلامی است و نشان از فصل ارتباط امت دولت‌ساز با دولت اسلامی دارد:

اولی که پیغمبر فکر اسلامی را می‌آورد؛ اولی که دعوت پیغمبر شروع می‌شود، آیا پیغمبر یک‌تنه می‌تواند یک جامعه را اداره کند؟ آیا یک جامعه تشکیلات نمی‌خواهد؟ عده‌ای که

این تشکیلات را اداره نکنند، نمی‌خواهد؟... کسانی که با پیغمبر یاری کنند و دعوت نبی را نشر بدهند، لازم نیست؟» (بیانات رهبری، ۸۰/۲/۲۸)

۳. جایگاه امت دولت‌ساز در دولت‌سازی

مرکز ثقل و هسته اصلی تشکیل دولت اسلامی، عده‌ای خواص اهل حق با ویژگی‌های متفاوت از دیگران‌اند که در اینجا امت دولت‌ساز نامیده می‌شود که ارتباط آنان با ولی و رهبری جامعه، بسیار نزدیک است، به این معنا که پس از رهنمودها و سخنرانی امام جامعه، این عده وظایف و تکالیف خود را تشخیص می‌دهند و به موقع اقدام می‌کنند. به لحاظ فکری و قلبی، وابستگی و پیروی بسیاری با ولی و امام دارند؛ چنان‌که گرچه با یکدیگر ساختاری منسجم و پیوسته ندارند، همگی در یک جبهه قرار می‌گیرند و ملازم رهبری‌اند: «مجموعه‌ای از صاحبان فکر سیاسی و اعتقادی و یا ایمانی می‌نشینند و تشکلی درست می‌کنند و میان خودشان و آحاد مردم کانال‌کشی می‌کنند و مردمی را با خودشان همراه می‌کنند تا فکر خود را به آنها برسانند.» (بیانات رهبری، ۷۷/۱۲/۴).

در راستای هندسه منظوم فکری رهبری امت دولت‌ساز، جمعی از نیروهای مؤمن انقلابی، خواص و نخبگان جامعه و دولت‌اند که طی مراحل، در آنان تحول معنوی (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۷/۲۹) و تحول معرفتی (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۵/۱۶) ایجاد می‌شود و سپس به امکان و ضرورت تحقق دولت اسلامی، باور عمیق قلبی (تحول باورمندی) (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۳/۲۰) پیدا خواهند کرد. این جمع سازمان‌یافته و خودجوش، مأموریت دارند در چهار بعد کلان دولت اسلامی، یعنی ابتدا در دو بعد نرم منش و روش و سپس در دو بعد سخت یعنی نظامات و نهادها، انجام وظیفه کنند که در ادامه درباره آنها سخن به میان می‌آید.

۴. رابطه امت دولت‌ساز با دولت

امت دولت‌ساز و دولت اسلامی خطوط معرفتی و عملیاتی مشابهی دارند که نشان از هم‌پوشانی‌هایی چشمگیر و گسترده در بین آنها دارد. گفتنی است که امت دولت‌ساز، نیروی لازم جهت به حرکت درآوردن عوامل دولت اسلامی را در خود دارد و در این راستا حرکت می‌کند. از طرف دیگر، میان دولت و امت رابطه رفت و برگشتی و تعامل سازنده از نوع اثرگذاری و اثرپذیری نیز وجود دارد که نوعی اتحاد و همبستگی میان آنها به وجود می‌آورد؛

زیرا در فرهنگ ولایی که معانی براساس عقل از منبع و حیانی گرفته، و در جامعه تزریق می شود، همه افراد با هم اتحادی برقرار می کنند که در عین تشمت و تکثر، وحدت و همبستگی در جامعه به چشم می خورد. این جامعه، به پشتوانه عقل متصل به وحی، فرهنگی منسجم و وحدت حقیقی دارد. (خانی، ۱۳۹۵: ۷۱)

در جامعه اسلامی همواره افرادی هستند که ارتباط وثیقی با ولایت دارند و در خط مقدم جبهه فرهنگی قرار دارند. اینان، ایمانی راسخ، و خصوصیات دیگری دارند برخوردارند که در بیانات رهبری در ادامه به آن اشاره می کنیم. این گروه همواره پیشرو بوده و بر دیگر گروه های اجتماعی نیز اثر می گذارند؛ مثلاً در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مجموعه ای از انقلابیون آگاه و مؤمن در مقام، امت در پی انقلاب اسلامی با همگرایی معرفتی و سیاسی و در نقش پیشروهای فکری و فرهنگی، در بسیج و تجهیز افراد سهم بسزایی داشتند و همین رویداد نیز در قدرت انسجام سیاسی و عقیدتی و تلاش و تکاپوی افزون تر آنان و اثرپذیری از آن مجموعه، مانند رابطه ای علی و معلولی در انقلاب اسلامی کارساز بود؛ به عبارتی در این نسبت، در راستای هندسه منظوم فکری رهبری نخست لازم است آموزه های اسلامی در حد مطلوبی در مجموعه ای از نیروها نمود و تجسم عینی و کارکردی یابد و سپس با ایجاد مسئولیت در این گروه، مناسباتی را در دو بعد نرم افزاری و سخت افزاری رقم بزنند تا براساس روش ها و سازوکارهایی، این تغییرات کارساز فکری و عملی از جمعی به نسبت مختصر و کم دامنه به حوزه ای وسیع تر و سازمان یافته تر بنام دولت انتقال و تسری یابد که مسئولیت این انتشار و انتقال نیز بر دوش امت دولت ساز است.

۵. نسبت امت دولت ساز با دولت

اگر بخواهیم از زاویه مراودات و مناسباتی که هر پدیده ای با محیط خویش دارد، به پرسش اصلی که این قسمت از نوشتار، یعنی نسبت امت دولت ساز با دولت اسلامی پاسخ گوئیم، باید دقیق بر چگونگی رفتار محیط با مسئله اجتماعی خاص و حیطه پیرامونی آن بنگریم. با اینکه این رویکرد به نظر رویکردی، نه کاملاً عرفی، و نه کاملاً اسلامی است، اگر مراودات و مناسباتی که بر خود و بر دیگر حوزه های پیرامون خود اعمال می کند برگرفته از دستورالعمل تأیید شده در اسلام باشد، می توان بر آن صورتی عرفی و باطنی اسلامی زد و در

این نسبت از سویه‌ای که از آن سخن می‌گوید، تأمل کرد. (خانی، ۱۳۹۵: ۷۲) ما برآنیم که با وارد کردن قلب منسجم‌ساز کارکردی و عقیدتی امت دولت‌ساز یعنی ولایت، ملاحظه‌ی پیش‌گفته را اعمال کنیم. در ارتباط با مفصل‌بندی پیشین، می‌توان میان دولت اسلامی و امت دولت‌ساز نسبت‌های زیر را برقرار کرد:

الف) رویکردی ایمانی: ارتباط امت دولت‌ساز با ولی؛

ب) رویکردی شبکه‌ای: ارتباط امت دولت‌ساز با دولت؛

ت) رویکردی نمایندگی: ارتباط امت دولت‌ساز با اعضای جامعه.

الف) ارتباط امت دولت‌ساز با ولی، رویکردی ایمانی

رابطه‌ی تک‌تک اعضای امت دولت‌ساز با ولی جامعه رابطه‌ی ایمانی است. هریک از نخبگان سیاسی، علمی و فرهنگی جامعه، خواص اهل حق، زبندگان جامعه و مدیران انقلابی، رابطه‌ی قلبی و عاطفی با ولی فقیه دارند؛ به این معنا که به بیانات و موضع‌گیری‌های ایشان باور عمیق ذهنی و فکری دارند و از عمق جان و قلب آن را می‌پذیرند. چنین رابطه‌ی ایمانی، حتی باعث اصلاح، تکمیل و تقویت تفکرات، اندیشه‌ها و انگیزه‌های وی برای حرکت کردن و قدم برداشتن در مسیری می‌گردد که ولی آن را ترسیم می‌کند. گفتنی است قرآن کریم، ولایت را در سه گروه منحصر می‌کند: «و من یتول الله و رسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون»؛ (مائده: آیه ۵۵) کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند.»

ب) ارتباط امت دولت‌ساز با دولت، رویکردی شبکه‌ای

بررسی ارتباط امت دولت‌ساز با دیگر کارگزاران دولتی، که به خدمت مشغول‌اند، و ارتباط با اعضای جامعه، هر دو مراتب گوناگون و ظرافت‌های روشی و کارکردی فراوانی دارد که بر آن تمرکز کردن، خود پیوستاری از مباحث و منازل را ایجاد خواهد کرد، اما می‌توان درباره‌ی نسبت امت دولت‌ساز با دولت، چنین آغاز کرد که امت دولت‌ساز باید با رویکردی شبکه‌ای بر فراز دولت بایستند و آن را دقیق رصد کند و دولت را برای گرفتن فرصت‌های شکوفایی خواسته‌ها و استعدادهای خویش مجاب کند و عرصه‌ی نقش‌آفرینی خویش را فراهم آورد؛ (خانی، ۱۳۹۵: ۷۳) مثلاً اگر امت دولت‌ساز قصد دارد رویکرد وزارت ارشاد درباره‌ی سینما

را به چالش بکشد و آن را به سمت گزاره‌های پذیرفته‌شده در دولت اسلامی حرکت دهد، می‌تواند با آشنایی با فیلم‌های اکران شده، نقاط تعارض آن را بشناسد و با مجموعه نخبه صاحب نظر، در عرصه‌های گوناگون رسانه مثل صداوسیما و روزنامه‌ها بنا بر الگوی شبکه‌ای یعنی ارتباط با هم و هم‌سخن با هم، مؤثر و نافذ، آنها را با زبان فرهنگی اما دقیق و بدون اثر سوء به نقد بکشد و عیار و آثار انحرافی آن را روشن سازد و چنان اصرار ورزد که این اصرار بدنه اجتماعی مخاطب را به تأمل وادارد که چه شده است. (جهت تبیین بیشتر در این باره ر.ک: بیانات در دیدار عوامل تولید فیلم سینمایی شیار ۱۴۳، ۱۳۹۳/۳/۲۶) و اگر بتواند چنین تأملی را در ذهن و روان پیکره اجتماع رقم زند، می‌توان گفت سازوکار خویش را روشمند و شایسته پیش برده است. اینجاست که می‌توان گفت زبان پذیرفتنی برای ارتباط با اعضای جامعه یافته، چون توانسته است عمق احساس آنها را نشانه برود و خودتأمل‌گری آنان را در حوزه موردنظر برانگیزد و این همان گام سوم و نهایی و مؤثر است.

ج) ارتباط امت دولت‌ساز با اعضای جامعه، رویکردی نمایندگی

امت دولت‌ساز، با اعضای جامعه رابطه‌ای تنگاتنگ و دوستانه دارد؛ چنان که خود را نماینده واقعی اعضای جامعه می‌داند. نماینده‌ای که نه براساس انتخابات و رأی‌گیری روی کار آمده است، زیرا در این صورت با اتمام مدت نمایندگی، وظیفه‌اش ساقط می‌شود، بلکه نماینده‌ای غیررسمی و برآمده از متن مردم که در آن، عنصر زمان و مدت نمایندگی دخالت ندارد؛ زیرا رابطه ایمانی او با ولی اقتضا می‌کند مانند ولی با مردم رابطه داشته باشد. نکته دیگر آن است که وی هم نماینده اعضای جامعه است و هم به‌گونه‌ای حرکت می‌کند که اعضای جامعه، وی را نماینده ولی می‌پندارند. چه بسا ممکن است چنین رابطه‌ای را با کل دولت یا قوه‌ای از دولت داشته باشد. (خانی، ۱۳۹۵: ۷۳)

۶. لایه‌های تشکیل‌دهنده امت دولت‌ساز

براساس هرم جامعه، از اس هرم (ولی) تا قاعده هرم (مردم)، جامعه به سه بخش تقسیم می‌گردد: امام، مردم، امت دولت‌ساز. (خواص، نخبگان و نیروهای مؤثر و...). شأن امام هدایت‌گری و نظارت است؛ شأن مردم، تمام‌کنندگی و تصمیم‌گیری و سرنوشت‌سازی است؛ و شأن امت دولت‌ساز، انتقال‌دهندگی و تبیین‌گری است.

پایه‌های امت دولت‌ساز را گروه‌های نخبگان، زبندگان، اساتید، جوان مؤمن انقلابی، خواص معتقد به اسلام ناب محمدی ﷺ تشکیل می‌دهند که به تعبیری، جناح مؤمن انقلابی را به وجود می‌آورند. چنین جناح و جبهه‌ای معادل و مترادف امت دولت‌ساز است: «دستگاه‌های مسئول و همه ما دچار کم‌کاری هستیم و به نظر می‌رسد که این کار را هم بایستی سپرد به جناح فرهنگی مؤمن انقلابی مردمی خودجوش.» (بیانات رهبری، ۹۴/۴/۶)

امت دولت‌ساز لایه‌هایی دارد. در واقع اگر قرار است کار ولی، درست میان مردم پیگیری و محقق شود، لازمه‌اش این است که مجموعه ارزشمندی با نصاب چشمگیری وجود داشته باشد. اگر قرار است جامعه ۸۳ میلیونی، دقیقاً براساس شاخص‌های رهبری حرکت کند، باید مجموعه‌ای با نصاب کمی از نیروهای واسط، خواص و کیفی وجود داشته باشند و بتوانند انتقال‌دهنده، کمک‌کننده، هدایت‌کننده و مدیریت‌کننده منویات رهبری باشند که خود حجم بزرگی است و لایه‌های امت دولت‌ساز را تشکیل می‌دهند.

جدول ۲. عناصر تشکیل دهنده امت دولت‌ساز

هماهنگی		کنشگران	محوریت	سازمان	نیرو	
موثران	حداکثری،	ستاد اصلی (ایده‌پرداز، طراح، راهبردنویس)	هدف‌محور	سازمان نرم	لایه ستادی ۷۰-۱۰۰ نفر	ملازمان:
	متوسط	مدیران کلان و برنامه‌ریزان	برنامه‌محور	سازمان نیمه‌سخت	لایه قرارگاهی ۲۰ هزار نفر	پیش‌تازان:
مستعدان	حداقلی،	کنشگران سیاسی	وظیفه‌محور	سازمان سخت	لایه عملیاتی ۵۰۰ هزار نفر	پیروان:

(منبع: یافته‌های پژوهش)

الف) ملازمان: لایه ستادی

نوعی از کارها، تقریباً نزدیک به کار رهبری است؛ مثل عالمی که پس از صحبت رهبری، به تبیین می‌پردازد. این، کار عالم است و کار سطوح پایین نیست یا کسی که می‌خواهد مدیریت کلان راهبری انجام دهد. می‌توان همان تعبیر ستاد انقلابی را اینجا نیز استفاده کرد. درون دستگاه‌های حکومتی ستادهای نصب‌شده، اما ناکارآمد و تجزیه‌شده داریم که همه

باید جمع شود و ستادی عالی برای حرکت انقلاب اسلامی تشکیل گردد. این ستاد عالی همان ملازمان اند که نیروهای خاصی می باشند. ستاد اصلی این گونه شکل می گیرد. پایین تر از ملازمان، نیروهای مدیر کلان و همان پیشتازان و پیروان هم کنشگران اند: «کارهای بزرگ از ایده پردازی آغاز می شود... ایده پردازی کاری نیست که در اتاق های دربسته و در خلأ انجام بگیرد.» (بیانات رهبری، ۱۳۸۶/۲/۲۵)

«ایجاد یک فکر، یک گفتمان، یک جریان فکری در جامعه، به دست خواص جوامع است؛ به دست اندیشمندان جامعه است؛ آنها هستند که می توانند فکر ملت ها را به یک سمتی هدایت کنند که مایه نجات ملت ها شود.» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱/۲۱)

متناسب با هر کدام از این نیروها، سازمان خاصی شکل می گیرد. ملازمان باید سازمان نرم داشته باشند، زیرا آنجا اصلاً به شکل و دستگاه ها و... نیاز نیست؛ آنان افرادی کلان نگرند و به اهداف نگاه می کنند و به شکل نیاز ندارند؛ آنان به امور اداری و کارهای دبیرخانه ای نیاز ندارند. هماهنگی نیروهای ملازم حداکثری است و با هم بسیار هماهنگ اند. جنس آنها ایده پرداز، طراح، راهبردنویس و... اینهاست و به نظر می رسد حدود هفتاد تا صد نفر نیاز باشد. آنان همان لایه متصل به رهبری اند و خطوط اصلی را طراحی می کنند. کاری که انجام می دهند، تصمیم سازی برای رهبری است و در ادامه، تصمیمات رهبری را به خطوطی تبدیل می کنند تا عملیاتی شود.

یک- نسبت لایه ملازمان و تولید علم

لازمه اسلامی شدن دولت، اسلامی شدن روش و منش دولتمردان است و تحقق این مسئله به شکل گیری امت دولت ساز در مرحله نخست، و سپس به تولید علم و نظریه توسط لایه ملازمان امت دولت ساز نیاز دارد. برای این کار می توان مراحل را برشمرد.

نخستین گام پیش روی لایه ملازمان، طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در جایگاه هندسه جامع و تفصیلی است. آیت الله خامنه ای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را دستور قطعی نظام جمهوری اسلامی می دانند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۵/۱۵) با چنین جایگاهی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نسبت به همه اسناد، جایگاه بالادستی خواهد داشت (همان).

در دومین بخش و در گام بعد، لایه ملازمان باید زیربخش های این نقشه جامع را مبتنی بر مبانی اسلامی طراحی و تکمیل کنند. در این بخش باید با دوری از تقلیدمحوری و نیز رویکرد

تطبیق اسلام با نظریات غربی، که در بطن خود همان رویکرد تقلید را می‌پروراند، تلاش شود تا علم دینی طراحی گردد. در همین بخش، طراحی مستحکم پایه‌های علوم انسانی، شناخت موضوعات و صدور احکام، که با موضوع فقهت نیز گره می‌خورد، بسیار حیاتی است. در گام سوم باید کوشید تا این دستاوردهای نظری در مصدر تصمیم‌گیری دولت قرار گیرد و ویژگی‌ها و استانداردهای دولتمردان نیز با این ویژگی‌ها منطبق گردد. در واقع این گام در زنجیره اقدام را می‌توان کار بست و عینیت‌بخشی به الگوهای به‌دست‌آمده توسط ملازمان دانست. در گام نهایی، که مرحله گفتمان‌سازی و تفوق‌گفتمانی است، بی‌شک با برنامه‌ریزی‌هایی که در ارکان حاکمیت صورت می‌گیرد و نیز گفتمان‌سازی ناشی از اقدام لایه ملازمان براساس مدل‌ها و الگوهای مستخرج که به الهام‌بخشی به دولت نیز می‌انجامد، می‌توان انتظار داشت که این هم‌افزایی‌ها و تلاش‌ها در سطوح خرد و کلان، در وهله نخست به گفتمان رقیب در مقابل گفتمان‌های حاکم غیربومی، و در وهله بعد به گفتمان غالب تبدیل گردد. (جهان‌بین و معینی‌پور، ۱۳۹۳: ۴۲) آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به مسئله تفوق‌گفتمانی ابراز امیدواری می‌کند که روزی بسیاری از مسائلی که اینک جسته و گریخته و غریبانه مطرح می‌شوند، همچون مسئله تولید علم به گفتمان مسلط تبدیل گردند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲)

دو- ویژگی‌های سازمان نرم ملازمان

- الف) کلان‌نگر، هدف محور؛
- ب) تشکل حداقلی؛
- ج) هماهنگی حداکثری
- د) جمع ایده‌پردازان، طراحان، راهبردنویسان؛
- و) شکل‌گیری روابط افراد براساس اهداف؛
- ز) وجود کمترین تعریف تشکیلاتی در میان ایشان.

ب) پیشتازان: لایه قرارگاهی

بعد از ملازمان، پیشتازان قرار دارند. آنان برنامه‌محورند و رؤسای مجموعه‌های اصلی در این قسمت قرا می‌گیرند. خود این رؤسا، معاونان و بازوهای دارند. به نظر می‌رسد مجموع این بازوها حدود بیست هزار نفر شود. سازمان نرم ملازمان هدف‌محورند، ولی پیشتازان

برنامه محورند و برنامه های کلان را طراحی می کنند. هماهنگی شان، هماهنگی تشکلی و در حد متوسط است. درباره ملازمان، هماهنگی حداکثری است؛ یعنی به اینکه از قبل با هم هماهنگ شوند، نیاز نیست. جنسشان، برنامه ریز و مدیر است: «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند.» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۹۷/۱۱/۲۴)

یک- ویژگی های سازمان نیمه سخت پیشتازان

الف) برنامه گرا؛

ب) تشکل های هماهنگ؛

ج) هماهنگی متوسط؛

د) جمع برنامه ریزان و مدیران؛

و) شکل گیری روابط افراد براساس اهداف؛

ز) وجود کمترین تعریف تشکیلاتی در میان آنان.

ج) پیروان: لایه عملیاتی

سومین بخش پیروانند که بدنه اصلی و قسمت اصلی امت اند. در این بخش باید سرمایه گذاری کرد و نیرو تربیت نمود. تحولات چهارگانه ایمانی، گفتمانی، ساختاری و رفتاری باید در این افراد اتفاق بیفتد. به نظر می رسد تعداد آنها حدود پانصد هزار تا یک میلیون نفر باشد. این افراد کنشگران سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، علمی و اقتصادی اند و براساس وظایف کار می کنند. باید نقش این کنشگران در دولت سازی مشخص شود:

اگر چنانچه ان شاء الله شما جوان ها با این حرکت ها پیش بروید و زمینه را برای روی کار آوردن یک دولت جوان و حزب الهی آماده کنید، بنده معتقدم که بسیاری از این نگرانی های شما و دغدغه های شما و غصه های شما پایان خواهد پذیرفت؛ این غصه ها هم البته فقط مخصوص شماها نیست (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱).

معظم له در ادامه می فرماید:

خب، ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد، منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا

کند و پیشرفت‌ش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکت‌اند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۳/۱)

یک - ویژگی‌های سازمان سخت پیروان

- الف) وظیفه‌محور؛
- ب) تشکل‌های مستقل؛
- ج) هماهنگی درون‌سازمانی؛
- د) قرار گرفتن افراد در تشکل‌های خودساخته؛
- و) برنامه‌ریزی در درون تشکیلات؛
- ز) رابطه‌ی حداقلی با پیشتازان؛
- س) انجام دادن هماهنگی درون تشکیلات.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی بود که مشکلات موجود در نظام جمهوری اسلامی در چه خلأ راهبردی ریشه دارد؟ هدف از پاسخگویی به این پرسش، بررسی جوانب مختلف امکان و ضرورت دست‌یابی به لوازم ساخت اسلامی نهاد دولت در نظام جمهوری اسلامی بود. این مهم با استفاده از روش استنادی - استناد به اندیشه سیاسی - اقتصادی آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌العلیه و بهره‌گیری از الگوی جستاری بحران اسپریگنز دنبال شد و این مدعا را به معرض آزمون گذاشت که ناقص طی شدن مراحل ساخت درونی دولت مطلوب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی، خاستگاه آسیب‌های متعدد اجتماعی در جامعه سیاسی ایران است. این نقض در نداشتن کفایت ملاک‌های اسلامیت در چهار عنصر منش، روش، نظامات و نهادها است که ریشه در نبود شکل‌گیری و تشکیل عنصری بنیادین به نام امت دولت‌ساز دارد. بنابراین این مقاله کوشید ضمن بررسی خاستگاه بنیادین تحقق نیافتن کامل اهداف انقلاب اسلامی، نحوه پیدایش و تکوین امت دولت‌ساز را در جایگاه راه درمان این مشکل، در چهارچوب کلان‌ترین نقشه راه تدوین شده توسط رهبر معظم انقلاب در باب دولت‌سازی اسلامی معرفی نماید. این نقشه راه، مدل کلان حرکت دولت اسلامی و آرایش فعالیت‌های مختلف و متعدد آن به منظور تحقق اهداف انقلاب اسلامی است.

کتابنامه

- اسپریگنز، توماس (۱۳۷۹). فهم نظریه‌های سیاسی، چاپ هفتم، تهران، نشر آگه.
- جمالی، مصطفی (۱۳۸۶). مهندسی تمدن اسلامی و جنبش نرم افزاری (جزوه)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مدیریت جنبش نرم افزاری، دفتر پژوهش.
- جهان‌بین، فرزاد و مسعود معینی‌پور (۱۳۹۳). «فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۱، شماره ۳۹، زمستان، ص ۲۹-۴۶.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۷۹). «امت و دولت، نگاهی دوباره»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱۶، تاستان، ص ۱۷۳-۱۵۱.
- خانی، مهدی (۱۳۹۵). طراحی و تدوین نقشه راه دولت اسلامی، قم، بنیاد فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- زیتی چشمه سرده، سامان (۱۳۹۴). «شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر اساس نظریه بحران توماس اسپریگنز»، اولین کنفرانس بین المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری)، ص ۹۸-۱۱۸.
- طوسی، علی و محمدحسین طاهری (۱۳۹۸). «ساخت اسلامی نهاد دولت در نظام اسلامی: تحلیلی آسیب شناسانه از دولت‌سازی اسلامی در الگوی مردم سالاری دینی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۶، شماره ۵۷، تابستان، ص ۶۹-۸۰.
- محمدی، خدیجه و مهدی نادری (۱۳۹۷). «ماهیت و ارکان دولت اسلامی در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۴۲، بهار، ص ۶۱-۸۸.
- مشکانی سبزواری، عباسعلی و عبدالحسین مشکانی (۱۳۹۰). «درآمدی بر فقه حکومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۶۰، تابستان، ص ۱۸۵-۱۹۷.
- مشکانی سبزواری، عبدالحسین (۱۳۹۲). نقد و بررسی آوای نکاد، تهران، کانون اندیشه جوان.